



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

**بررسی رابطه انسان و خدا از منظر حکمت متعالیه و قرآن
با تأکید بر تفسیر المیزان**

استاد راهنما:

دکتر علیرضا قائمی نیا

استاد مشاور:

حجت الاسلام محمد تقی یوسفی

نگارش:

مقدسه خلیلی لاریمی

شهریور ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ پدر و مادر عزیزم
کہ چراغ راہ زندگی ام ہستند۔

تشکر و تقدیر

شایسته است که از تلاش ها و زحمات استادان ارجمند راهنا و مشاور جناب آقای دکتر قائمی نیا و جناب آقای حجت الاسلام یوسفی در تهیه این مجموعه، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از زحمات همسر گرامی ام که در طول تدوین پایان نامه کاستی های منزل را جبران کرده و همراه و مشوق من بوده اند تشکر نمایم.

چکیده

مسأله رابطه انسان و خدا، مسئله‌ای بسیار قدیمی است، چون انسان فطرتاً رو به سوی بالا دارد. علاوه بر آن، در بسیاری از علوم از جمله فلسفه نیز قابل طرح است. در علم فلسفه میتوان این مسئله را در دو بعد وجودی و معرفتی بررسی کرد. در بررسی بعد وجودی رابطه انسان و خدا، از فلسفه ماقبل صدرا به دست می‌آید که چون اصالت با ماهیت است، علیت نیز در ماهیت مطرح می‌شود، از این رو خداوند به عنوان *علة العلل* معرفی می‌گردد. این نحوه تبیین از رابطه انسان و خدا با آن چه که در بعضی از آیات قرآن آمده بود تعارض داشت. ولی صدرا با اثبات اصالت وجود، مدار تمامی مباحث فلسفی را بر حول محور وجود قرار داد و چون نخ‌دانه دانه مسائل فلسفی را به هم مرتبط کرد. و با بیان تشکیک در وجود، علیت را به وجود رابط و مستقل برگرداند. فلسفه صدرا به این جا ختم نشد بلکه صدرا با تحلیل علیت و معلولیت به نظریه تجلی دست یافت و از آن طریق به وحدت شخصیه وجود رسید. در این نقطه از فلسفه او همه موجودات مظهر اسماء و صفات حق تعالی هستند و در محضر او حضور دارند و رابطه‌شان، رابطه جلوه و متجلی و عین الربط با قیوم است و برای وسایط، دیگر تأثیری در ایجاد و علم نیست. همچنین در بعد معرفتی، صدرا بر اساس حرکت جوهری اثبات کرد که نیاز به خداوند به عنوان محرک نخستین، به عمق وجودات سیال راه یافته و عمق وجودشان عین فقر و نیاز است، و موجودات به توسط همین حرکت از نقص به کمال گذر می‌کنند، و ماده اولی با حرکت اشتدادی، سرانجام به انسانیت و از آن جا به فعلیت محض که همان شهود آگاهانه خداوند است می‌رسد. این بیان صدرا در تفسیر بعض آیاتی که ناظر به رابطه انسان و خدا در دو بعد وجودی و معرفتی است بسیار نقش دارد، بلکه صدرا توانست با درک حقیقت وجود صرف که منحصر در خداوند است و احاطه قیومیه او و معیت ذات او با موجودات، در تفاسیر آیات معیت، قرب و ملکوت، فهم تازه‌ای را ارائه دهد. فهمی که هیچ یک از پیشینیان قبل از او به آن نرسیده بودند.

کلید واژه‌ها:

قرآن، تفسیر، حکمت متعالیه، رابطه انسان و خدا، علیت، تشان، معیت قیومیه، حرکت جوهری و تکامل نفس.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: مفاهیم و کلیات	۳
۱- بیان مسأله	۴
۲- اهمیت موضوع و اهداف پژوهش:	۵
۳- سؤالات اصلی پژوهش:	۵
۴- سؤالات فرعی پژوهش:	۶
۵- فرضیه‌های پژوهش:	۶
۶- پیش فرض‌های پژوهش:	۶
۷- روش پژوهش:	۶
۸- سابقه پژوهش:	۷
۸-۱. صدرالمتألهین:	۷
۸-۲. طباطبایی، محمدحسین:	۸
۸-۳. رحیمیان، سعید:	۸
۹- پیشینه‌یابی و رویکرد تاریخی مسئله:	۹
۱۰- قلمرو پژوهش:	۱۱
۱۱- مراد از رابطه خدا و انسان:	۱۱
۱- رابطه وجودشناختی؛	۱۱
۲- رابطه معرفتی:	۱۱
۳- رابطه تبلیغی یا ارتباطی:	۱۲

- ۴- ارتباط پروردگار - بنده: ۱۲
- ۵- رابطه اخلاقی: ۱۲
- فصل دوم: رابطه انسان و خدا در حکمت متعالیه** ۱۴
- ۱- مبانی فلسفی صدرا ۱۵
- ۱-۱. اصالت وجود ۱۵
- ۲-۱. تشکیک وجود ۱۹
- ۱-۲-۱. اقسام تشکیک: ۲۲
- ۲-۲-۱. ارکان تشکیک: ۲۳
- ۳-۱. علیت ۲۶
- أ. امکان فقری: ۲۹
- ب. وجود رابطی: ۳۰
- ج. وجود رابط: ۳۰
- د. فرق بین وجود رابط و رابطی: ۳۱
- هـ. اضافه مقولی: ۳۲
- و. اضافه اشراقی: ۳۲
- ۴-۱. رجوع علیت به تشأن ۳۷
- ۵-۱. حرکت جوهری ۴۴
- ۱-۵-۱. تکامل نفس با حرکت جوهری: ۴۵
- ۲- تأثیر مبانی فلسفی صدرا در رابطه انسان و خدا ۴۷
- ۱-۲. بعد وجودی رابطه انسان و خدا ۴۸
- ۱-۱-۲. تشکیک در وجود و علیت ۴۸
- ۲-۱-۲. تشأن و وحدت شخصی وجود ۵۲
- ۲-۲. بُعد معرفتی رابطه انسان و خدا ۵۵
- ۱-۲-۲. علم خدا به انسان ۵۶
- ۲-۲-۲. علم انسان به خدا ۵۸

- ۵۸.....۱-۲-۲-۲. امکان شناخت برای انسان
- ۵۹.....۲-۲-۲-۲. امکان شناخت عقل از خداوند
- ۶۱.....۳-۲-۲-۲. ممکن نبودن شناخت حقیقت ذات خدا توسط عقل با علم حصولی
- ۶۲.....۴-۲-۲-۲. عدم علم اکتناهی به ذات باری تعالی با علم حضوری
- ۶۳.....۵-۲-۲-۲. علم حضوری و شهودی بسیط و مرکب به واجب تعالی
- ۶۶.....۶-۲-۲-۲. اختلاف در مراتب شهود و معرفت به خداوند
- ۶۸..... جمع بندی
- فصل سوم: رابطه انسان و خدا در قرآن**
- ۷۰.....
- ۷۱..... ۱- آیات معیت
- ۸۲..... ۲- آیات قرب
- ۸۴..... ۱-۲. مراتب قرب
- ۸۴..... ۱-۱-۲. قرب با واسطه:
- ۸۴..... ۲-۱-۲. قرب بی واسطه در حال دعا:
- ۸۶..... ۳-۱-۲. احاطه وجودی:
- ۸۷..... ۴-۱-۲. احاطه علمی:
- ۹۰..... ۵-۱-۲. حیلولة بین انسان و قلب:
- ۹۳..... ۶-۱-۲. قرب تعلقی:
- ۹۴..... ۷-۱-۲. فنای محض:
- ۹۶..... ۳. آیات ملکوت
- ۱۰۰..... ۴. جمع بندی:
- فصل چهارم: تأثیر حکمت متعالیه در فهم آیات ناظر به رابطه انسان و خدا**
- ۱۰۲.....
- ۱۰۳..... ۱. شیوه تفسیری صدرالمتألهین
- ۱۰۶..... ۲. تفسیر فلسفی آیات ناظر به رابطه انسان و خدا
- ۱۰۸..... ۱-۲. معیت خداوند با موجودات

۱۱۱.....	۲-۲. نزدیکی خداوند به موجودات
۱۱۴.....	۲-۳. آیات ملکوت
۱۱۶.....	۳. جمع بندی
۱۱۷.....	نتیجه گیری
۱۲۱.....	منابع و مأخذ
۱۲۲.....	منابع فارسی:
۱۲۸.....	مقالات:

مقدمه

حمد و سپاس خداوندی راست که نور آسمان‌ها و زمین است و به نور خود، همگان را ظاهر کرده است. خداوندی که به همه انسان‌ها نزدیک است، دعایشان را می‌شنود و آن را اجابت می‌کند.

فرآیند هستی همواره در طول تاریخ برای انسان سؤال‌برانگیز بوده است. این که چه کسی است؟ از کجا آمده؟ برای چه آمده؟ و به کجا می‌رود و بالأخره رابطه او با خالقش چگونه است؟ و انسان‌ها نیز همیشه در جستجوی پاسخ به این پرسش‌ها بوده‌اند. از جمله علمی که در پاسخ به این سؤالات به کمک انسان شتافت، علم فلسفه بوده است. در فلسفه قدما آمده است که خداوند *علة العلل* است و در رأس هرم هستی قرار دارد و بی‌نهایت واسطه تا انسان وجود دارد. بنابراین برای رابطه انسان و خالقش تحقق واسطه‌ها ضرورت دارد. در حقیقت پاسخ این علم به چگونگی ارتباط انسان و خدا به نوعی با مطالب متون دینی در تعارض است. زیرا در متون دینی از جمله قرآن آمده که انسان می‌تواند با عبادت خالصانه به خدا نزدیک شود تا جائی که مظهر صفات خدا گردد. رساله حاضر نیز به منظور پیدا کردن راه‌های جمع بین این دو مبحث تفسیری و فلسفی ظاهراً متناقض، نوشته می‌شود. ناگفته نماند که موضوع چگونگی ارتباط انسان و خالقش در علمی چون فلسفه، ادیان، اخلاق، عرفان، تفسیر، کلام، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و... قابل پژوهش است ولی در این رساله، این مسأله از دیدگاه حکمت متعالیه و تفسیر المیزان به

همراه استفاده از بعضی آموزه‌های عرفانی همچون تجلی و تشأن بررسی و در چهار فصل ارائه می‌شود. سعی اصلی محقق در این پژوهش بر این است که با تبیین صحیحی که صدرا از رابطهٔ علیت به دست داد و آن را به تشأن برگرداند و بر قرآن تطبیق نمود، بتواند بین آموزه‌های حکمت متعالیه و آیاتی که در زمینهٔ رابطه انسان و خدا هستند جمع کند و نشان دهد که نه تنها فلسفهٔ صدرایی تناقضی با مضامین آیات قرآن ندارد، بلکه حتی در فهم صحیح آن نیز مؤثر است.

فصل اول:

مفاهیم و کلیات

۱- بیان مسأله

مسأله رابطه انسان و خدا، یکی از مسائل اساسی زندگی انسان است که بررسی دقیق آن، بسیاری از ابهامات را برطرف کرده و در پیدا کردن راه درست زندگی، راهگشای خوبی برای آدمی محسوب می‌شود. به این مسأله در فلسفه نیز پرداخته شده است. از دید فلسفه صدرایی می‌دانیم که علت وجود دهنده معلول است، بنابراین اگر علت نبود، معلول نبود. از این رو نیاز معلول به علت، نیاز در اصل هستی است. اصل هستی‌ای که عینیت خارجی دارد. متنها این هستی مراتب دارد. وجود این مراتب در اصل هستی همان مسئله تشکیک است که ما به الامتیاز آن عین ما به الاشتراک آن است. به عبارت دیگر، در حقیقت وجود که اصل هستی است قائل به وحدت هستند. ولی وحدت تشکیکی وجود که همان وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت است. این کثرت به اعتبار این است که علت به حسب ذات خودش بر معلول تقدم دارد و معلول نمی‌تواند مرتبه وجودی‌اش عین مرتبه علت باشد و قهراً در مرتبه متأخر از او قرار گرفته است. با توجه به این مبانی، خداوند علت العلیل است و نحوه فیضان وجود در او به ترتیب از اصلی به اسفل است و بین مراتب هستی و فیض، اتصال و ترتب وجودی برقرار است و فیض با وساطت همراه است. از این رو برای برقراری رابطه انسان و خدا تحقق واسطه ضرورت دارد.

از طرفی، در قرآن آیاتی داریم مبنی بر وجود رابطه مستقیم خدا و انسان، مثلاً آیاتی که سخن از نزدیکی خدا به انسان دارد و یا آیاتی که بیان می‌دارد، خداوند همه جا و همه زمان همراه انسان است. این آیات با مباحث فلسفه که رابطه خدا و انسان را با واسطه می‌داند در تناقض است. و این نشان از عدم جمع مباحث تفسیری و فلسفی در زمینه رابطه انسان و خدا دارد. این در حالی است که صدرا در نظر نهایی خود در فلسفه، وحدت شخصی را مطرح می‌کند وعلیت را

به تشآن بر می گرداند که بر طبق آن خدا و انسان نزدیکترین رابطه را دارند.
بنابراین محور اصلی این پژوهش، پی گیری این مسئله است که حکمت متعالیه در فهم آیات ناظر به رابطه انسان و خدا چه تأثیری داشته است؟

۲- اهمیت موضوع و اهداف پژوهش:

رابطه خداوند و موجودات از مهم ترین مسائل فلسفه محسوب می شود که از دیرباز مطرح بوده است. این مسأله از زمان شکوفایی فلسفه ی اسلامی مورد توجه بیشتر قرار گرفته است. و در هر یک از نظام های فلسفی مشاء، اشراق و حکمت متعالیه دارای جایگاه خاص و ارزشمندی است. لزوم بحث در مورد رابطه ی خدا و انسان هم به آثار فراوان آن باز می گردد و برداشت های نادرست از این مسأله دلیل دیگری است که تبیین درست این رابطه را می طلبد. برای انسان به عنوان موجودی متفکر، شناخت این مسأله در محدوده ی نظری و عملی بسیار اهمیت دارد و بر زندگی او تأثیر بسزایی داشته و او را در این مسأله یاری می کند که خود را بهتر بشناسد و جایگاهش را در عالم هستی مشخص نماید. هم چنین موجب آرامش او می شود وقتی که بداند از کجا آمده است. به کجا می رود و چگونه می تواند با مبدأش ارتباط داشته باشد. این ها همه در سرنوشت او تأثیر دارند و سعادت و شقاوت او را رقم می زنند. بنابراین از اهداف این پژوهش، درک حقیقت چگونگی و تبیین نحوه ی ارتباط انسان و خداست و بیان این که انسان با خدا هر دو رابطه ی مستقیم و غیر مستقیم را دارد. به علاوه، پیدا کردن مبانی ای برای نوع شبهاتی که در زمینه ی رابطه ی انسان و خدا مطرح گردیده ست با توجه به این که آموخته های فلسفی حکمت متعالیه کاربردی گردد و با آموزه های قرآنی مرتبط شود. در بخش قرآنی رساله از تفسیر المیزان و در بخش فلسفی از کتاب های ملاصدرا در حکمت متعالیه استفاده می شود.

۳- سوالات اصلی پژوهش:

۱-۳. رابطه انسان و خدا در حکمت متعالیه چگونه است؟

۲-۳. رابطه انسان و خدا در قرآن چگونه است؟

۴- سؤالات فرعی پژوهش:

- ۱-۴. مراد از رابطه‌ی انسان و خدا چیست؟
- ۲-۴. نظام تشکیکی وجود را بیان کنید؟
- ۳-۴. امکان فقری یعنی چه؟
- ۴-۴. علّیت و حقیقت آن در حکمت متعالیه چیست؟
- ۵-۴. معنای فیض و اضافه اشراقی چیست؟
- ۶-۴. آیا تحقق واسطه از دید وجودشناسی ملاصدرا ضرورت دارد؟
- ۷-۴. سیر فلسفی مسأله رابطه انسان و خدا تا زمان حکمت متعالیه چه بوده است؟
- ۸-۴. حکمت متعالیه د فهم آیات ناظر به رابطه انسان و خدا چه تأثیری دارد؟

۵- فرضیه‌های پژوهش:

در قرآن، خدا گاهی با انسان رابطه بی‌واسطه دارد و گاهی با واسطه، علاوه بر این، در حکمت صدرایی - بر اساس مفاهیم این حکمت - می‌شود این دو مورد ارتباط را تبیین کرد.

۶- پیش‌فرض‌های پژوهش:

مفروض اول «خدا با انسان رابطه دارد» وجود این رابطه یک اصل بدیهی است هم اعتقادی است و هم فلسفی.

مفروض دوم - «خدا و انسان» می‌توانند رابطه بی‌واسطه داشته باشند یا باواسطه.

البته تبیین رابطه انسان و خدا بر اساس اصول رابطه عقلی و نقلی مستلزم پذیرفتن

فرض‌های زیر است:

۱- حجیت قرآن ۲- حجیت عقل ۳- حجیت روایت: و قاعده فلسفی مورد استفاده در این

پژوهش، «فیض و فاعلیت وجود در نظام طولی و سلسله مراتبی عالم» می‌باشد.

۷- روش پژوهش:

روش تحقیق فلسفی حاضر به جهت جمع بین دو دیدگاه فلسفی و قرآنی، تطبیقی -

توصیفی - تبیینی و تفسیری است. محقق در فصل نخست به جهت بیان یک سری توضیحات

مفهومی از روش تعریف و توجیه استفاده می‌کند. فصل دوم به دلیل بررسی این مسأله در حکمت متعالیه، سه روش تاریخی، توصیفی و تبیینی خواهد داشت. در فصل سوم نیز با روش تفسیری، این دیدگاه در قرآن بررسی می‌شود و در فصل چهارم به جهت جمع بین دو دیدگاه در قالب تفسیر فلسفی صدرالمتألهین از روش توصیف - تبیین و تفسیر استفاده خواهد شد.

۸- سابقه پژوهش:

گرچه در مورد رابطه انسان و خدا، بحث‌هایی در لابه‌لای کتب تفسیری و فلسفی به میان آمده است، اما هیچ منبعی به صورت مستقل به این موضوع نپرداخته و به صورت تطبیقی بین دیدگاه حکمت متعالیه و قرآن، کار نکرده است، از این رو در این جا به سه کتاب اشاره می‌کنیم که دستمایه اصلی این رساله به حساب می‌آیند.

۸-۱. صدرالمتألهین:

الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ۹ جلد، چاپ سوم، دار أحياء التراث، بیروت، ۱۹۸۱م.

اسفار کتابی است با متنی وزین که در «نه» جلد تدوین یافته است و به گفته خود صدرا در مقدمه کتاب، تألیف آن با الهام از خداوند متعال بوده است. نگارش این کتاب سال‌ها به طول انجامید و وی توانست عمده مقاصد خود را در آن بنویسد. گرچه نوعی پراکندگی و بی‌نظمی به صورت نوعی تکرار غیر ضروری نیز در این کتاب به چشم می‌خورد که نشانه نوشتن آن در زمان‌های مختلف و یا به علت تعدد الگوهای وی برای نوشتن مطالب بوده است اما به دلیل محتوای زنده مطالب، کمتر کسی از این بی‌نظمی نسبی به رنج افتاده است.

در این کتاب، موارد متعددی از مبانی فلسفی صدرا که در مسئله رابطه انسان و خدا دخیل‌اند بحث می‌شود که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱- در جلد اول، مرحله اول، تحت عنوان «فی الوجود و اقسامه الاولیه» احکام وجود را بیان کرده است. از جمله این که: «وجود دارای حقیقت عینی است، وجودات هویتی بسیط هستند، تحقیق و ثبوت وجود به معنی رابط، وجود امر مشکک است، علت نیاز به علت و...».

۲- در جلد دوم، مرحله ششم، تحت عنوان «فی العلة و المعلول» به مباحثی چون «تفسیر و

تعریف خود از علت، وجوب وجود علت نزد معلولش، متناهی بودن تمام علت‌ها، قوی‌تر بودن علت از معلول خود، از لوازم ذات فاعل تام، بودن معلول، چگونگی سریان حقیقت وجود در موجودات، نخستین چیزی که از وجود حق تعالی پدید می‌آید، آینه بودن ممکنات برای ظهور حق متعال در آن‌ها، واجب الوجود ذاتش یگانه و حقیقتش تام و کامل است، تنها وجود است که صلاحیت برای علیت و معلولیت دارد» پرداخته است.

۲-۸. طباطبایی، محمدحسین:

المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلدی، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم - ۱۴۱۷ق.

از غنی‌ترین منابع تفسیری، تفسیر المیزان است. این کتاب تفسیری قرآنی به قرآن است که جنبه‌های دیگر عرفانی، فلسفی و ادبی و... در آن راه ندارد. از آن جا که آیات مختلفی از قرآن در مورد رابطه انسان و خدا وجود دارد و مؤلف در ذیل آن‌ها تفسیر خود را آورده است. مثلاً نویسنده در ذیل آیات «۴ حدید» و «۷ مجادله» که درباره معیت خدا با انسان است، به پاره‌ای از مسائل اشاره کرده است که از قرار زیر است:

- ۱- هر کجا باشید خدا با شماست چون به شما احاطه دارد.
- ۲- هیچ مکان و پوششی از او غایب نیست.
- ۳- احاطه خدا تنها مکانی نیست.
- ۴- هر نجوایی که می‌شود، خدا با نجواکنندگان و عالم به اسرار ایشان است.
- ۵- این معیت یا معیت علمی است و یا معیت وجودی.
- ۶- (أَیْنَ مَا كَانُوا) منظور نزدیکی جسمانی نیست، چون خدا منزله از جسمیت و مادیت است.

۳-۸. رحیمیان، سعید:

فیض و فاعلیت وجودی از فلوطین تا صدرالمتألهین، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۱.

این کتاب نظریه فیض را از دیدگاه فلوطین و صدرالمتألهین به عنوان مبدأ و منتهای بحث انتخاب کرده است. نویسنده در این کتاب، ابتدا سیر تکون تدریجی مفهوم و نظریه فیض را از

فلوطین تا حکمت اسلامی صدرالمتألهین دنبال می‌کند. سپس نقاط عطف و موارد تحول یافته درباره این نظریه را باز می‌نماید. از جمله مسائل اصلی این کتاب عبارتند از:

- ۱- تأثیر نظریه فیض و فلوطن بر فلسفه اسلامی،
 - ۲- ویژگی‌های فعل هستی‌بخش از دید صدرا و نحوه پاسخگویی او به مشکلات بحث.
- از پیامدهای این کتاب، تصویری است که صدرا از خداوند و خالقیت او در پرتو حکمت متعالیه با تکیه بر اسمای حسناى الهی در قرآن و توصیفات معصومان و شهودات عرفانی نظیر ابن عربی در قالب نظریه فیض ارائه می‌دهد که با توجه به مسلک اصالت وجود و مبنای وحدت سنخی وجود، بهترین وجه توضیح ربط خداوند با ماسواست.

۹- پیشینه‌یابی و رویکرد تاریخی مسئله:

تاریخ شاهد و گواه است که فرآیند هستی همواره برای انسان سؤال‌انگیز بوده است و چون انسان خود را مبتکر و با اراده یافت در جستجوی خالق و گرداننده‌ای برای پدیده‌های جهان برآمد و پس از آن به دنبال کشف رابطه مخلوقات و بخصوص انسان با خالق خود بود. فلسفه ظهور و حضور ادیان عمدتاً شناساندن رابطه انسان مخلوق با خالق خود بوده است. پیامبران به کار بردن تعالیم خویش را راهگشای نزدیکی به خالق و جلب خشنودی او معرفی می‌کردند. چنین بینشی که جنبه عام داشت در مقوله ایمان قرار می‌گرفت.

فلاسفه و متفکرین هزاره اول قبل از میلاد در یونان و خاور میانه با استدلال عقلی و نظری به نحوی به پذیرشی خالق واحد و جاودان برای جهان رسیده بودند. افلاطون و ارسطو بحث ارتباط با مبدأ را بیان کردند که موجودات چگونه از مبدأ به وجود می‌آیند. نظریه افلاطون با عنوان بهره‌مندی (علت مثالی) و نظریه ارسطو تحت عنوان تحریک (ربط محرک با متحرک) مطرح است. ولی ارتباط خداوند با مخلوق در نظر فلوطن به نحو فیض و افاضه است. طبق نظریه صدور وسایطی بین خداوند و عالم ماده قرار دارند و موجب تسری فیض باری تعالی به عالم ماده می‌شوند. بنابراین ارتباط انسان با خدا نیز به عنوان موجودی که پا به عرصه هستی گذاشته و می‌خواهد مسیر استکمالش را به سوی خالقش طی کند، روشن می‌گردد.

فلوطین اولین کسی است که این نظریه را در کتاب خود اثولوجیا آورده است و چون مبنای

این کتاب، دینی نیز بوده است، مورد توجه حکمای اسلامی نیز قرار گرفت. آفرینش از نظر او نوعی صدور و فیضان واحد از امر واحد است. وجود، طبقات و مراتبی دارد که با اتصال وجودی به خالق مرتبطانند و اثر از مؤثر دارای استقلال وجودی نیست و در نهایت در قوس صعودی با حرکتی رجوعی به سوی احد یعنی خالق بازمی‌گردد.

از حکمای اسلامی که نظریه فیض را مورد توجه قرار دادند می‌توان از حکمائی چون کندی، اخوان الصفا، فارابی، ابن سینا، سهروردی، میرداماد و صدرا نام برد. در میان مشائین، فارابی اولین کسی بود که این نظریه را به طور جدی مطرح کرد. مهم‌ترین نقش و تأثیر او پایه‌گذاری مبنایی فلسفی برای تشریح امکان فاعلیت وجودی و تصویر مفهوم فیض، تمایز نهادن دقیق بین وجود و ماهیت بود که می‌توان آن را از ابتکارات فارابی دانست که بعدها ابن سینا آن را به شکل مدون درآورد.

ابن سینا در مسأله فیض، تفاوت بین فاعل طبیعی و فاعل الهی را بیان می‌کند. خداوند در نظر او معطی الوجود، فاعل الهی و هستی‌بخش عالم است، اما علة العلیی است که بین او و موجودات امکانی جهان ماده، بی‌نهایت فاصله وجود دارد. مسئله‌ای که موجب تبیین نظریه فیض او شد بحث فاعل بالعنایه بودن خداوند و چگونگی صدور کثیر از واحد است.

شیخ اشراق نیز مطرح کرد که نورالانوار دو نوع رابطه با انوار دیگر دارد. یکی رابطه مستقیم و دیگری با واسطه که به ترتیب از آن تعبیر به اشراق و سوانح می‌شود. او مسئله امکان فقری را مطرح کرد که چون هر نوری، نوریتش از جانب خداست، لذا در همه حال وجود نوری‌اش محتاج و نیازمند به اوست و این از لطیف‌ترین بحث‌های ارتباط انسان و خدا می‌باشد.^۱

این رابطه در ادیان توحیدی نیز همیشه مطرح بوده است. نگاهی هرچند کوتاه به تاریخ بشری نمایشگر این حقیقت است که انسان در سیر تاریخ همواره معبود یا معبودهایی را مورد پرستش قرار داده است. یعنی فطرتاً در خود یک نوع رابطه بی‌واسطه با خدا را احساس می‌کرده است. قرآن کریم نیز همچون دیگر کتب مقدس، حقایق کلی و اساسی هستی را تبیین کرده است.

۱ - جهت مطالعه ی دقیق سیر تاریخی این بحث به این کتاب مراجعه کنید: سعید رحیمیان، *فیض و فاعلیت وجودی از فلوطن تا صدرالمألهین*، اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۱.

همچنین به چگونگی رابطه خدا و انسان اشاره نموده است. مثلاً در آیاتی آورده است که خدا از خودتان به شما نزدیک‌تر است و این‌ها نشان از رابطه بی‌واسطه خدا و انسان دارد.

۱۰- قلمرو پژوهش:

در این پژوهش، به مسأله رابطه انسان و خدا در فلسفه اسلامی و قرآن، آن هم از زمان صدرالمتهلین که مؤسس حکمت متعالیه است تا زمان علامه طباطبایی که مفسر تفسیر المیزان است پرداخته می‌شود. با توجه به این که از همه مبانی فلسفی که صدرا به دست داد بحثی نخواهد شد و فقط به مبانی مرتبط با بحث اشاره می‌شود. همچنین به علت محدود بودن مدت زمان تعیین شده برای انجام پژوهش و دقیق بودن موضوع مورد تحقیق، از تفسیر المیزان که تفسیری است قرآن به قرآن و هیچ جنبه ادبی، فلسفی و عرفانی در آن حضور ندارد. و معاصرترین و جامع‌ترین تفسیر است استفاده می‌شود و به جهت زیاد بودن آیات در این زمینه، آنها در چند عنوان جامع دسته‌بندی می‌شوند تا در وقت و نیروی محقق صرفه‌جویی شود. منابع فلسفی پژوهش بیشتر از کتب صدرا به عنوان منبع دسته اول و سپس از کتب شارحان و متألّهین زمان معاصر از جمله علامه طباطبایی، استاد مطهری، آیه الله مصباح یزدی و آیه الله جوادی آملی خواهد بود.

۱۱- مراد از رابطه خدا و انسان:

رابطه خدا و انسان یک رابطه ساده و یک جانبه نیست، بلکه رابطه‌ای دوجانبه و طرفینی است. در واقع رابطه دوطرفه انسان و خدا را از جهت تصویری می‌توان به چند گونه‌ی عمده تجزیه کرد:

۱- **رابطه وجودشناختی؛** یعنی میان خدا به عنوان سرچشمه نهایی وجود انسان و انسان همچون نماینده جهان هستی که هستی خود را از خدا دارد ارتباط وجودی برقرار است. به عبارتی دیگر میان خدا و انسان، رابطه خالق - مخلوقی برقرار است.

۲- **رابطه معرفتی:** در این رابطه در یک ارتباط دوطرفه خداوند به انسان ها علم دارد و همین علم موجب حضور موجودات در پیشگاه او است. انسان ها نیز در عین غفلت به خداوند